

سلوک معنوی

سلسله دروس مبانی عقلانی و حیانی (۱۴)

حیدر ضیایی

www.ketab.ir

سرشناسه: ضیایی، حیدر، ۱۳۳۱، عنوان قراردادی: احادیث خاص (عنوان بصری).
شرح، عنوان و نام پدیدآور: سلوک معنوی/ حیدر ضیایی؛ مشخصات نشر: قم:
وصال آوای توحید، ۱۴۰۰. مشخصات ظاهری: ۲۳۶ ص؛ شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۹۸۹۲۴-۱-۱، وضعیت فهرست نویسی: فیبا، رده بندی کنگره: BP۱۴۵، رده بندی
دیویی: ۲۱۴/۲۹۷، شماره کتابشناسی ملی: ۸۶۷۳۰۳۹

سلوک معنوی

مؤلف: حیدر ضیایی

تقریر، تصحیح و تعلیق: محمدرضا حیدری نقدعلی

ناشر: وصال آوای توحید

نوبت و سال چاپ: اول، ۱۴۰۰

تیراژ: ۱۰۰۰ نسخه

شابک دوره: ۶-۷۴-۷۰۸۸-۶۰۰-۹۷۸

شابک: ۱-۹۸۹۲۴-۶۲۲-۹۷۸

دفتر مرکزی: قم مقدس، تلفن: ۰۹۰۲۵۷۸۱۳۲۳

سامانه آموزش مجازی دوره:

lms.avayetowheed.ir

فروشگاه محصولات فرهنگی آوای توحید:

shop.avayetowheed.ir

کلیه حقوق برای موسسه آوای توحید محفوظ است



فهرست مطالب

مقدمه.....	۱۷
سخن محقق.....	۲۵
شرح حدیث عنوان بصری.....	۲۹
جلسه اول	
التزام عملی اولیاء الهی به روایت.....	۳۵
لزوم جهاد با نفس تا پایان عمر.....	۳۷
بررسی خصلت‌های حرص و طول آمل.....	۳۷
بررسی خصلت‌های عُجب و غرور.....	۳۸
رجوع عنوان بصری به اعلم و اعلی.....	۴۰

جلسه دوم

- ۴۶..... اهمیت استاد در امور زندگی
- ۴۷..... نقش استاد در امور معنوی
- ۴۸..... خصوصیات استاد سیروسلوک معنوی
- ۵۰..... نحوه تعامل سالک با استاد

جلسه سوم

- ۵۶..... تنظیم اوقات و انضباط در عمل
- ۵۸..... اهتمام داشتن به راز و نیاز با پروردگار

جلسه چهارم

- ۶۷..... علم حقیقی از سنخ مجردات
- ۶۸..... علم لدنی در داستان حضرت خضر

جلسه پنجم

- ۷۶..... بررسی علل فاعلی و قابلی علم
- ۷۸..... راهکارهای لازم برای تمامیت قابل

عبودیت سبب شرافت وجودی پیامبر اسلام ۸۰

عبودیت منشأ معراج پیامبر اسلام ۸۳

عبودیت منشأ معرفت ربوبی اولیاء الهی ۸۴

جلسه ششم

راهکارهای لازم برای تمامیت قابل ۹۰

بررسی آیات در باب مذمت عالم بی عمل ۹۱

بررسی روایات در باب مذمت عالم بی عمل ۹۱

روایت اول ۹۱

روایت دوم ۹۳

روایت سوم ۹۳

جلسه هفتم

التزام عملی اولیاء الهی به روایت ۹۷

راهکار اول برای تمامیت قابل ۹۸

راهکار دوم برای تمامیت قابل ۹۹

۱۰۰ بررسی آیات در باب مذمت عالم بی عمل

۱۰۰ راهکار سوم برای تمامیت قابل

جلسه هشتم

۱۰۵ عبودیت برای قابلیت دریافت علم

۱۰۵ گام اول: خداوند مالک علی الاطلاق

۱۰۶ نتیجه گام اول: انفاق کردن

۱۰۶ گام دوم: سپردن تدبیر امور به دست خداوند

۱۰۸ گام سوم: اشتغال به اوامر الهی

جلسه نهم

۱۱۵ گامهای سهگانه در مسیر عبودیت

۱۱۵ گام اول

۱۱۵ گام دوم

۱۱۵ گام سوم

۱۱۶ انس با تلاوت قرآن

۱۱۷..... انس با دعا

۱۱۸..... حدیث قرب نوافل

جلسه دهم

۱۲۳..... نافله شب

جلسه یازدهم

۱۳۳..... مداومت بر قرائت مسبحات ست

۱۳۴..... مداومت بر قرائت قرآن

۱۳۷..... جلسه دوازدهم

۱۳۹..... غذای جسمانی و روحانی انسان

۱۴۰..... حدیث قرب نوافل

۱۴۳..... جلسه سیزدهم

۱۴۶..... موارد انفاق

۱۴۷..... انفاق اهل علم به برکت تبلیغ و منبر

مقدمه

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الحمد لله رب العالمين والصلوة والسلام على رسول الله خاتم
النبيين وآله الظاهرين واللعن على أعدائهم اجمعين.
قَالَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى: «لَقَدْ مَنَّ اللَّهُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ إِذْ بَعَثَ فِيهِمْ
رَسُولًا مِنْ أَنْفُسِهِمْ يَتْلُوا عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَ
الْحِكْمَةَ وَإِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُبِينٍ»^۱ همانا منّت نهاد خدا
بر مؤمنان، هنگامی که برانگیخت در ایشان فرستاده‌ای از خودشان
تا بخواند بر ایشان آیت‌های او را و پاک سازد ایشان را و بیاموزدشان
کتاب و حکمت را و اگرچه بودند پیش از آن در گمراهی آشکار.
از جمله اموری که غیرقابل انکار است این است که خاصیت
مالکیت لطف و محبت و عطوفت و مهربانی است. در جایی که

مالک و مملوکی باشد این خصوصیت مشهود است. نحوه برخورد شخصی که مالک منزلی است با موردی که مستأجر در آن منزل است، تفاوت دارد یا برخورد مالک وسیله نقلیه‌ای با موردی که از دیگری در اختیارش است متفاوت است و همین‌طور اگر حیوانی را مالک باشد، با حیوانی که از آن دیگری است نظری یکسان ندارد و اگر انسان به فرزند و اولاد خود علاقه مند است و در این جهت چه بسیار رنج‌ها و سختی‌ها را متحمل می‌شود و باز بر همین اساس است؛ اگرچه فرزند دیگری به لحاظ جمال و زیبایی با جمال‌تر و زیباتر باشد و این خاصیت حتی در میان حیوانات هم حاکم است. مرغ خانگی که در شرایط عادی با حرکت دست انسانی فرار می‌کند، اگر چند جوجه داشته باشد، نه تنها فرار نمی‌کند، بلکه با بازکردن بال‌های خود درصدد حمله به انسان قرار می‌گیرد. چرا؟ چون علاقه به جوجه‌هایی که خود را مالک آن‌ها می‌پندارد، او را وادار به این امر می‌کند

بنابراین باید پذیرفت که هر مالکی نسبت به مملوک خود محبت و دلسوزی دارد، حتی اگر این مالکیت حقیقی نباشد که مثال‌های ذکر شده از این قبیل است؛ یعنی مالکیت‌های معمول بین ما همگی اعتباری‌اند. لذا با یک گفت‌وگو و تنظیم سند زایل می‌شود. حتی پدران و مادران هم مالک حقیقی فرزندان نمی‌باشند؛ بلکه کانالی برای پیدایش آنانند و لذا نمی‌توانند هستی و وجود آن‌ها را حافظ و نگه‌دار باشند. چه بسیار پدران و مادرانی که در حال

حیاتند و فرزندانشان از دنیا رفته‌اند.

مالک حقیقی و واقعی کسی است که هستی و وجود مملوک را اعطا کرده باشد و او فقط حق تعالی است و نه دیگری. «اللَّهُمَّ مَالِكَ الْمُلْكِ تُؤْتِي الْمُلْكَ مَنْ تَشَاءُ وَتُنْزِعُ الْمُلْكَ مِمَّنْ تَشَاءُ»^۱ وقتی مالکیت‌های اعتباری موجب محبت و دلسوزی و عطوفت است، مالکیت حقیقی و واقعی به مراتب این خاصیت را واجد است و بر همین اساس رسول گرامی اسلام ﷺ فرمودند: «إِنَّ لِلَّهِ تَعَالَى مَاءَ رَحْمَةٍ أَنْزَلَ مِنْهَا رَحْمَةً وَاحِدَةً بَيْنَ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ وَالطَّيْرِ وَالْبَهَائِمِ وَالْهَوَامِّ فِيهَا يَتَعَاطَفُونَ فِيهَا يَتَرَاحُمُونَ وَأُخْرُ تِسْعًا وَتِسْعِينَ رَحْمَةً يَرْحُمُ اللَّهُ بِهَا عِبَادَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ»^۲ به درستی که خداوند متعال دارای صد رحمت است که یک جزء آن‌ها را بین جن و انس و پرندگان و جانوران و حشرات نازل فرمود و به همین یک جزء نسبت به یکدیگر عطوفت و مهربانی دارند و نود و نه جزء دیگر را برای خود اختصاص داد تا در روز قیامت به واسطه آن‌ها بندگان را مورد ترحم قرار دهد.

فلسفه ارسال رسل و انزال کتب بر همین اساس است؛ یعنی چون باری تعالی مالک حقیقی انسان‌هاست، لذا به ما نهایت لطف و محبت را دارد و مایل نیست آینده زندگیمان تیره باشد. پیامبران و راهنمایی جهت ارشاد و هدایت ما فرستاد تا راه رسیدن به سعادت

۱. سوره آل عمران، آیه ۲۶.

۲. ملا محسن فیض کاشانی، المحجّة البيضاء، ج ۸، ص ۳۸۴، کتاب ذکر الموت و مابعد، باب سعة رحمة الله.

ابدی و نجات از عقوبت و عذاب اخروی در اختیارمان باشد و در حقیقت بر ما مَنّت نهاد؛ همان طور که در آیه ۱۶۴ سوره مبارکه آل عمران که در ابتدای این مقدمه ذکر شد، بیان فرمود.

این هم از باب رحمت رحیمیّه حق تعالی است؛ چون اگرچه گفتیم خاصیت مالکیت رحمت است، لکن رحمت این مالک حقیقی بر دو نوع است: ۱. رحمت رحمانیّه ۲. رحمت رحیمیّه. لذا او را به «بسم الله الرحمن الرحيم» می خوانیم. هم رحمان است و هم رحیم؛ تفاوت این دو نوع رحمت این است که رحمت رحمانیّه حق تعالی شمول دارد، همه از او برخوردارند، چه دوست و چه دشمن، چه مسلم و چه کافر، چه مؤمن و چه منافق که فرمود «وَرَحْمَتِي وَسِعَتْ كُلَّ شَيْءٍ» رحمت من فراگرفته است هر چیزی را. در دعای ماه رجب آمده است: «يَا مَنْ أَرْجُوهُ لِكُلِّ خَيْرٍ... يَا مَنْ يُعْطَى مَنْ لَمْ يَسْأَلْهُ وَ مَنْ لَمْ يَعْرِفْهُ تَحْتُنَا مِنْهُ وَ رَحْمَةٌ» ای آن که امید به او دارم در هر خیری... ای آن که عطا می کند به کسی که از او درخواست نکرده است و او را نشناخته است، به علت نعمت بخشی و رحمت، به قول جناب سعدی:

اویم زمین سرفه عام اوست بر این خوان ینما چه دشمن، چه دوست

حق تعالی براساس رحمت رحمانیّه خود، اصل وجود و هستی و

۱. سوره مبارکه اعراف، آیه ۱۵۶.

۲. محدّث قمی، مفاتیح الجنان، اعمال ماه رجب

لوازم آن را اعطا می فرماید. تابش خورشید، نزول باران، اکسیژن هوا و... همگی از باب رحمت رحمانیه اند و همه بهره مندند؛ اما رحمت رحیمیّه او اختصاص به کسانی دارد که به او ایمان آورده باشند و لذا بعد از جمله «و رَحْمَتِي وَسِعَتْ كُلَّ شَيْءٍ» می فرماید: «فَسَأَكْتُبُهَا لِلَّذِينَ يَتَّقُونَ وَ يُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَ الَّذِينَ هُمْ بِآيَاتِنَا يُؤْمِنُونَ» پس به زودی (رحمتم را) مخصوص کسانی قرار می دهم که تقوا پیشه کنند و ادای زکات داشته باشند و به آیات ما ایمان آورده باشند. جناب مولوی به هردو نوع از رحمت اشاره می کند:

آن یکی جودش که آرد پدید
وین دگر بخشد که ایمان را نهد

اکنون که معلوم شد ارسال رسل و انزال کتب از جانب حق تعالی براساس رحمتی است که نسبت به بندگان دارد، تا ما با پیروی از آنان سعادت ابدی خود را تضمین نماییم، باید بدانیم که رسیدن به این مطلوب متوقف بر دو چیز است: یکی ایمان و دیگری عمل که هر کدام به منزله بالی است برای عروج و تعالی و فقدان هریک مشکل ساز است. ایمان که همان علم به مرتبه باور رسیدن است، به تنهایی کافی نیست و عمل نیک هم بدون باورهای معنوی کفایت نمی کند؛ لذا در قرآن مقدّس در هر موردی که پاداش اخروی ذکر شده است، مترتّب بر دو چیز، یعنی ایمان و عمل صالح گردیده

است و فراوان در آثار حضرت علامه حسن زاده آملی دیده می شود که علم و عمل را انسان ساز معرفی می کنند که در قیامت هرکسی به مقتضای علم و عمل خود محشور می گردد و در دیوان شعرشان هم در دفتر دل، باب ۱۲، فرموده اند:

بلی علم است که انسان ساز باشد مر او را هم عمل و ساز باشد
چو علمند و عمل بانی انسان هر آنکس هر چه خود را ساخت هست آن

لذا باشد قیامت با تو، هشدار قیامت را برون از خود پندار

بنابراین علمی برای انسان کارساز است که مقرون به عمل بوده باشد و لذا رسالت انبیاء الهی در دو محدوده بوده است، یکی تزکیه و دیگری تعلیم؛ از این جهت علمای ربانی به تزکیه خود و دیگران در کنار تعلیم و تعلّم اهتمام خاصی داشتند و اینجانب که سالیانی است در حوزه مقدّسه علمیّه قم، توفیق تدریس علوم عقلی و معرفتی را داشتم و دارم، در یک دوره از تدریس کتاب اشارات و تنبیهات جناب شیخ الرئیس، با شرح حضرت خواجه طوسی، در هر هفته روزهای چهارشنبه، جهت تنبّه خود و عزیزانی که در خدمتشان بودم قبل از پرداختن به بحث علمی، دقایقی را به شرح حدیث عنوان بصری می پرداختم که مطالب آن جلسات بعد

از ضبط توسط موسسه آوای توحید، از نوار پیاده و ویراستاری شد و به چاپ رسید تا اگر مفید فایده‌ای بود، در اختیار علاقه‌مندان قرار گیرد. به امید آنکه بهره‌ای معنوی و ماندگار نصیب بنده گردد و البته چون بین جلسات فاصله‌ای یک هفته‌ای و در مواردی بیشتر در کار بود، چه بسا بخشی از مطالب تکرار می‌شد و لذا پوزش از خواننده محترم امید دارم که موجب ملال نگردد. در خاتمه از عزیزانی که زحمت پیاده‌سازی مطالب، تایپ، ویراستاری و چاپ را برعهده گرفتند، خصوصاً از مسئولین موسسه آوای توحید، بالاخص از برادر عزیز فاضل محترم، جناب آقای محمدرضا حیدری، نهایت تشکر و سپاس را دارم.

و آخر دعوانا ان الحمد لله رب العالمین

حیدر ضیایی نوری

۱۳۹۹/۲/۹